

کد گزارش : ۹۷-۵۱

# دگردیسی عربستان سعودی

گزارش کنفرانس  
مؤسسه دولت‌های خلیج فارس در واشنگتن

نویسنده  
عمر رحمان

ترجمه شده در  
مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری  
۱۳۹۷

# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

کد گزارش: ۹۷-۵۱

عنوان گزارش: دگردیسی عربستان سعودی

Saudi Arabia Transforming

نویسنده: عمر رحمان

Omar H. Rahman

ناشر: مؤسسه دولت‌های خلیج فارس در واشنگتن

The Arab Gulf States Institute in Washington (AGSIW)

تاریخ انتشار: ژوئن ۲۰۱۷

ترجمه: حنظله سلیمانی و جواد عرب یارمحمدی

ناظران: ابوالفضل غیاثوند، ابوالقاسم اسکندری

مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری

اول مرداد ۱۳۹۷

کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری است.  
هر گونه بازنشر این گزارش بدون اجازه کتبی مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری ممنوع است.

## فهرست مطالب

۱.....	ضرورت ترجمه گزارش‌های راهبردی
۱.....	درباره گزارش.....
۲.....	خوشامدگویی.....
۳.....	خلاصه مدیریتی.....
۴.....	یافته‌های اصلی و توصیه‌ها.....
۵.....	مقدمه.....
۵.....	گفتگویی با عبدالعزیز الساجر.....
۸.....	نشست ۱- چشم‌انداز ۲۰۳۰ سعودی: یک سال بعد.....
۱۱.....	نشست ۲- شوک فرهنگی: چشم‌انداز ۲۰۳۰ سعودی و تغییرات اجتماعی.....
۱۴.....	نشست ۳- دگردیسی اقتصادی و وضعیت جهانی عربستان سعودی.....
۱۶.....	نتیجه‌گیری.....
۱۷.....	ملاحظات اصلی.....

## ضرورت ترجمه گزارش‌های راهبردی

نوشتارها به افکار جهت و افکار به جهان شکل می‌دهند. جهان امروز نیز دربرگیرنده هزاران اندیشکده، مؤسسه مطالعات راهبردی و اتاق‌های فکری است که کارشناسان و تحلیل‌گران راهبردی را در خود گرد آورده‌اند و با انتشار گزارش‌های راهبردی بر افکار سیاستمداران، بخش خصوصی، رسانه‌ها و جوامع تأثیر می‌گذارند. نزدیک به هفت هزار اندیشکده در جهان وجود دارد که مجموعه گسترده‌ای از دانش راهبردی درباره موضوعات مختلفی از محیط‌زیست تا اقتصاد، روابط بین‌الملل، و مسائل نظامی و امنیتی را منتشر می‌کنند. این مؤسسات هم‌چنین می‌کوشند تا برآوردهای خود از آینده را نیز ارائه کنند و آینده‌پژوهی یکی از مهم‌ترین اقدامات آن‌هاست.

آگاهی یافتن از موضوعات مدنظر اندیشکده‌ها و مؤسسات مطالعات راهبردی در جهان یکی از ضرورت‌های تفکر راهبردی در ایران است. تحلیل‌گران و استراتژیست‌های ایرانی برای ارائه تحلیل‌هایی که متضمن تأمین منافع ملی باشد به شناخت گزارش‌های اندیشکده‌های خارجی نیازمند هستند. این‌گونه گزارش‌ها هم‌چنین به لحاظ روش‌شناختی نیز گاه حائز اهمیت هستند. پوشیده نیست که هنوز روش‌شناسی پژوهش‌های راهبردی و حتی گاه شیوه نگارش گزارش‌های راهبردی مؤثر نیز در میان بسیاری از اندیشکده‌های ایرانی کاستی‌هایی دارد.

مرکز بررسی‌های استراتژیک با هدف توجه دادن کارشناسان و تحلیل‌گران کشور، و هم‌چنین جهت اطلاع‌یابی مدیرانی که در معرض مسائل و تصمیم‌گیری‌های راهبردی هستند، نسبت به ترجمه و بنا به مورد انتشار محدود یا عمومی مجموعه‌ای از متون راهبردی اقدام می‌کند. مرکز بررسی‌های استراتژیک اگرچه پیشگفتارهای کوتاهی را به ابتدای این گزارش‌ها می‌افزاید و تلاش دارد تا قرائت تحلیل‌گران این مرکز از هر گزارش را ارائه نماید، اما مندرجات این گزارش‌ها الزاماً بیانگر دیدگاه‌های مرکز بررسی‌های استراتژیک نیستند. امید است این اقدام به تعمیق تفکر راهبردی کمک نماید. مرکز بررسی‌های استراتژیک از هرگونه نقد و نظر و هم‌چنین دریافت نظرات مخاطبان این مجموعه درباره مندرجات گزارش‌ها استقبال می‌کند. کارشناسان و تحلیل‌گران هم‌چنین می‌توانند متون راهبردی را که ترجمه و ارائه آن‌ها به جامعه کارشناسان و تحلیل‌گران راهبردی کشور مناسب است به این مرکز پیشنهاد کنند.

حسام‌الدین آشنا

رئیس مرکز بررسی‌های استراتژیک

## درباره گزارش

این گزارش توسط یک روزنامه نگار و مفسر در نیویورک، آقای عمر رحمان و متعاقب کنفرانس مؤسسه دولت‌های خلیج فارس در واشنگتن<sup>۱</sup> با عنوان «دگردیسی عربستان سعودی»<sup>۲</sup> که در ۱۰ مه ۲۰۱۷ برگزار شد، گردآوری شده است.

عربستان سعودی، یک برنامه بلند پروازانه دگردیسی ملی را با هدف متنوع سازی اقتصاد و گریز از وابستگی به نفت، گسترش بخش خصوصی، و تحول روش حکومت آغاز نموده است. البته در این مسیر با چالش‌های دشواری مواجه است. کنفرانس مؤسسه دولت‌های خلیج فارس در واشنگتن با عنوان «دگردیسی عربستان سعودی» یک سال بعد از انتشار «چشم انداز ۲۰۳۰»<sup>۳</sup> سعودی، بر محرک‌های اصلی باز شکل دهی این کشور تمرکز نمود.

1. Arab Gulf States Institute in Washington

2. Saudi Arabia Transforming

3. Vision 2030

## خوشامد گویی

همکاران و همراهان گرامی

خوشحالم که از جانب هیأت مدیره و کارکنان مؤسسه دولت‌های خلیج فارس در واشنگتن، گزارش کنفرانس «دگردیسی عربستان سعودی» را خدمت شما ارائه می‌نمایم:

کنفرانسی که در ۱۰ مه ۲۰۱۷ برگزار شد، گروهی برجسته از کارشناسان و مقامات را گرد هم آورد تا یک سال پس از رونمایی از «چشم انداز ۲۰۳۰» توسط ولیعهد محمد بن سلمان، تأملی در مورد فرصت‌ها و چالش‌های آن داشته باشد.

پادشاهی عربستان سعودی یک برنامه بسیار بلند پروازانه دگردیسی ملی را با تمام فرصت‌ها و چالش‌هایی که دارد آغاز نموده است. چشم انداز ۲۰۳۰ فراتر از یک برنامه اصلاحات یا تجدید سازمان برای تنوع بخشی به اقتصاد و رهایی از وابستگی به نفت است. چیزی که در چشم انداز ۲۰۳۰ و برنامه دگردیسی ملی<sup>۴</sup> مطرح شده، اثرات گسترده‌تری بر حیات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی عربستان سعودی، هم در کوتاه‌مدت و هم در بلندمدت خواهد داشت.

تردید در مورد چنین چشم‌اندازهای بلند پروازانه‌ای دور از ذهن نیست، چشم‌اندازهایی که مستلزم تغییرات اجتماعی عظیم بوده، منافع اقتصادی مسلم را مورد تهدید قرار می‌دهد و از تغییر شیوه‌های معمول انجام امور، ناگزیر است. این نوع از تغییرات ساختاری عمیق، در جامعه و فرهنگ سنتی و محافظه کار، بسیار دشوارتر است. به همه این دلایل، این دگردیسی سهل و بی دغدغه نخواهد بود، اما این کاملاً ضروری است، اگر عربستان سعودی بخواهد آینده با ثبات و پر رونق خود را تضمین نماید.

امیدوارم گزارش این کنفرانس برای شما سودمند باشد و با اشتیاق در انتظار ارتباطات بعدی با شما در ماه‌ها و سال‌های آتی هستیم.

با احترام

مارسل ام. وحبا<sup>۵</sup>

رئیس مؤسسه دولت‌های خلیج فارس در واشنگتن

## خلاصه مدیریتی

«چشم انداز ۲۰۳۰ صرفاً یک برنامه برای اصلاحات اقتصادی نیست، این یک تلاش کامل برای دگردیسی ملی است». فیصل بن فرحان آل سعود<sup>۶</sup>

همزمان با پیشبرد برنامه بلند پروازانه اصلاحات عربستان سعودی با عنوان چشم انداز ۲۰۳۰، در ۱۰ مه ۲۰۱۷، مؤسسه دولت‌های خلیج فارس در واشنگتن، رهبرانی را از کشورهای خلیج فارس، اروپا و ایالات متحده برای بحث در مورد برهه تاریخی دگردیسی این کشور گرد هم آورد. با اهداف روشنی که توسط شوک ۲۰۱۴ مشخص گردید، دولت سعودی از یک سال پیش اصلاحات گسترده اقتصادی و بخش عمومی را با هدف تنوع بخشی به اقتصاد، منطقی کردن بخش عمومی، کاهش یارانه‌ها، تشویق بخش خصوصی، و نوسازی چارچوب‌های حقوقی و قانونی خود آغاز نمود. این کشور همچنین اقداماتی را در خصوص ترویج حس قوی‌تر هویت ملی سعودی بر مبنای جایگاه این کشور به عنوان مرکز جهان اسلام، پایگاه‌ها و میراث تاریخی و دینی منحصر به فرد، و دیگر انگیزه‌های اجتماعی و فرهنگی چندگانه، شروع کرده است. همه اینها با چالش‌های عظیم منطقه‌ای، رقابت راهبردی با ایران و درگیری نظامی در یمن همراه بوده که باعث فشار به منابع شده و نهایتاً فداکاری شهروندان سعودی را می‌طلبد.

در این فرایند، عربستان سعودی تنش‌های اجتماعی گریز ناپذیری به وجود آورده که مجبور است در سال‌های پیش رو آنها را هدایت نماید. دولت به وضوح در مورد بسیاری از اثرات اجتماعی و فرهنگی چشم‌انداز ۲۰۳۰ سکوت اختیار کرده و این برنامه نیز فاقد شفافیت در مورد چگونگی برخورد دولت با این موضوعات است. دولت باید به دنبال راه‌هایی برای ارتباط اثربخش با شهروندان خود و اشتغال بیشتر زنان در نیروی کار باشد، فضا را برای آزادی بیان فراهم کرده و جایگاهی را برای گفتگو با دولت و هیأت حاکمه فرسوده و محافظه کار تأمین نماید. نهایتاً، عربستان سعودی می‌بایست ظرفیت خود را برای درگیری با منطقه‌ای آشفته، از طریق تقویت هسته نظامی و سیاسی و همچنین توسعه و ارتقای روابط و پیمان‌های خارجی، افزایش دهد.

6. Faisal Bin Farhan Al Saud

## یافته‌های اصلی و توصیه‌ها

- دولت سعودی باید در اجرای چشم انداز ۲۰۳۰ خود منعطف باقی بماند. اگر این دولت چنین نرمشی را نداشته باشد نمی‌تواند واکنش داخلی، منطقه‌ای و جهانی مناسبی را در مقابل چشم انداز متغیر از خود بروز دهد. موفقیت، مستلزم همکاری اثربخش، مدیریت انتظارات، و ایجاد قواعدی است که به سیاست گذاران اجازه تغییر متناسب با محیط در حال تغییر را بدهد.
- عربستان سعودی باید به افزایش سطح شفافیت و گشودگی بازارهای خود ادامه داده و ظرفیت آماری خود را برای تحلیل و انتشار داده‌ها ارتقا بخشد. این امر، دولت را قادر می‌سازد پیشرفت‌ها و پسرفت‌های داخلی را شناخته و به آنها واکنش نشان دهد، سرمایه‌گذاری خارجی را ترویج نماید، و بدهی را با شرایط مطلوب افزایش دهد.
- اقدامات ریاضتی سخت، جواب نمی‌دهند. عربستان سعودی گرفتار محدودیت‌های درآمدی ناشی از قیمت پایین نفت خام است اما کاهش مخارج دولت تنها به بخش خصوصی ضربه وارد می‌کند، در حالی که دولت در تلاش برای ترغیب رشد سریع بخش خصوصی است.
- پویایی روابط بین دولت و بخش خصوصی را تغییر بده و زمینه ایفای نقش برابر را برای هر دوی آنها فراهم کن. گفتگو با ذینفعان اصلاح بخش خصوصی را حفظ کن تا به دریافت بازخوردهایی ادامه دهی که می‌تواند در تعدیل سیاست‌ها مورد بررسی قرار گیرند.
- از تغییرات عمده در ظهور اتوماسیون و فناوری نوین کمال استفاده را داشته باش. به دنبال صنایع با عمر و پایایی محدود نباش؛ به آینده نگاه کن. جوانان را برای دوام در اقتصاد آینده مجهز کن.
- در زمان ایجاد شهرک‌های صنعتی، باید در مورد غلبه بر محدودیت‌ها فکر شود. اطمینان حاصل کن که این شهرک‌ها می‌توانند مردم سعودی، و نه صرفاً نیروی کار ارزان خارجی را به کار گیرند.
- به اصلاح حوزه‌هایی که نقش اساسی در کسری بودجه داشتند به خصوص یارانه‌ها، ادامه بده.
- رویکردی روشن به اثرات اجتماعی و فرهنگی اصلاحات داشته باش. به جامعه مدنی برای عمل به عنوان وزنه تعادل عناصر محافظه کار در جامعه قدرت بده، به گونه‌ای که صدایی رسا و محکم داشته باشد.
- توانمندسازی زنان و گنجاندن آنها در نیروی کار، برای موفقیت این پروژه اهمیت حیاتی دارد. فضایی را ایجاد کن تا کارگران بتوانند شکایات شغلی خود را مطرح نمایند.
- عربستان سعودی باید به توسعه ظرفیت خود برای واکنش به چالش‌های منطقه ادامه دهد، زیرا این کشور نقش مهمی را در این منطقه ایفا می‌کند.
- اشتیاق و انتظارات از دولت دونالد ترامپ در واشنگتن باید به دقت مدیریت گردد. گاری را بیش از حد بار نزن.
- یک ابزار اثربخش برای واکنش به پرخاشگری و تجاوز ایران پیدا کن، در حالی که همچنین همزیستی مثبت را نیز دنبال کن.



## مقدمه

روند کاهشی در قیمت‌های جهانی نفت که از ژوئن ۲۰۱۴ آغاز شده، اثرات جدی بر اقتصادهای کشورهای صادرکننده نفت داشته است. در حالی که عربستان سعودی به واسطه ذخایر مالی عظیمی که در دوره قیمت‌های بالای نفت ایجاد کرده تا حدی زیادی از این اثرات مصون مانده، اما تداوم مخارج زیاد دولت باعث تحلیل این ضربه گیرها شده و فشار زیادی را برای منابع مالی پادشاهی عربستان وارد می‌کند. علاوه بر این، توانایی عربستان سعودی برای مدیریت قیمت‌ها به عنوان یک تولیدکننده تعیین کننده، به دلیل تغییرات اساسی در تولید نفت شیل<sup>۷</sup> در ایالات متحده به طور جدی به خطر افتاده و باعث شده که اتکای بلندمدت این کشور به فروش نفت خام، بسیار ناپایدار باشد.

در واکنش به این موضوع، ملک سلمان بن عبدالعزیز یک برنامه اصلاحات اقتصادی گسترده را از آوریل ۲۰۱۶ با هدف آزادسازی اقتصاد سعودی از نوسانات بازارهای نفت آغاز کرده است. برنامه چشم انداز ۲۰۳۰ که پیشگام آن ولیعهد محمد بن سلمان است، اثرات گسترده اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دارد که کشور را به سمت عصر و حیطه‌ای جدید هدایت می‌کند. اما اصلاحات در خلاء اتفاق نمی‌افتند. عربستان سعودی همچنین باید خطر فزاینده همسایگان، رقابت منطقه‌ای با ایران و چشم انداز انرژی رقابتی را هدایت کند.

## گفتگویی با عبدالعزیز الساجر

«شما نمی‌توانید یک تغییر اقتصادی را بدون تغییر سیاسی و اجتماعی انجام دهید» - عبدالعزیز الساجر

کنفرانس «دگردیسی عربستان سعودی» با گفتگویی بین محقق ارشد مؤسسه دولت‌های خلیج فارس در واشنگتن، حسین ایبیش<sup>۸</sup> و عبدالعزیز الساجر رئیس مرکز تحقیقاتی خلیج فارس<sup>۹</sup> آغاز شد. این دو در مواردی بحث کردند که موضوعات کنفرانس را تشکیل می‌داد؛ از جمله هدف کلی چشم انداز ۲۰۳۰ و اثرات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی این برنامه؛ دورنمای ترمیم روابط با ایالات متحده در طول دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ؛ و مواضع عربستان سعودی در مبارزه با تروریسم در خاورمیانه و مواجهه این پادشاهی با ایران.

الساجر، متنوع سازی اقتصادی را به عنوان یکی از ارکان اصلی چشم انداز ۲۰۳۰ عنوان نمود، به گونه‌ای که دولت در حال تلاش برای کاهش وابستگی عربستان سعودی به درآمدهای هیدروکربنی از طریق گسترش بخش خصوصی است، سرمایه گذاری مستقیم خارجی را تشویق می‌کند، و نقش آژانس‌های دولتی که در داخل و خارج سرمایه گذاری می‌کنند را افزایش می‌دهد.

7. shale

8. Hussein Ibish

9. Gulf Research Center

ابتکار اصلی چشم‌انداز ۲۰۳۰، عرضه عمومی بخشی از سهام شرکت آرامکو<sup>۱۰</sup>، شرکت ملی نفت و موتور اقتصاد سعودی، است. به واسطه عرضه عمومی اولیه<sup>۱۱</sup> در سال ۲۰۱۸ که آرامکو پیش بینی می‌کند ۲ تریلیون دلار ارزش داشته باشد، عربستان سعودی امیدوار است که آرامکو را به عنوان یک گروه بین‌المللی مطرح کرده و صندوق دولتی سرمایه‌گذاری عمومی<sup>۱۲</sup> را به یکی از بزرگترین صندوق‌های ثروت ملی<sup>۱۳</sup> در جهان تبدیل کند. دولت سعودی همچنین در سال ۲۰۱۶ برنامه تحول ملی<sup>۱۴</sup> را مطرح نمود که اهداف میان مدت متعددی را برای بخش عمومی با هدف بازسازی دولت تا سال ۲۰۲۰ دارد. به واسطه این اصلاحات و استفاده از مشارکت‌های عمومی - خصوصی، دولت سعودی امیدوار است که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را در تعدادی از بخش‌های اقتصاد خود از جمله سلامت، ارتباطات مخابراتی، زیرساخت، تولید انرژی و شیرین‌سازی آب، تشویق نماید.

### یک مشارکت جدید

از نوامبر ۲۰۱۶ که ترامپ برنده انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده شد، رهبری سعودی در مورد روابط بین عربستان سعودی و ایالات متحده بسیار خوش بین بوده است. رهبری سعودی یک همبستگی را با دولت ترامپ در برخی موضوعات اصلی مانند مبارزه با تروریسم و جلوگیری از گسترش نفوذ ایران و همچنین همراهی در یمن، سوریه و عراق می‌بیند. دولت سعودی احساس می‌کند که از ۱۶ سال سیاست‌های ایالات متحده در خاورمیانه در دولت‌های جرج بوش و باراک اوباما آسیب دیده که از آن جمله، اثرات بی‌ثبات‌سازی حمله سال ۲۰۰۳ ایالات متحده به عراق و «سیاست رویگردانی»<sup>۱۵</sup> باراک اوباما در منطقه است. بر اساس اظهارات الساغر، این سیاست‌های خارجی کاملاً متضاد - مداخله‌گرایی<sup>۱۶</sup> و از نو سنگ‌سازی<sup>۱۷</sup> - باعث ایجاد دولت اسلامی عراق و شام (داعش) شده، گرایش‌های تحکم‌آمیز ایران را ترغیب نموده، و روسیه را به هسته اصلی امور منطقه تبدیل نموده است. الساغر معتقد است که بر اساس ادعاهای ترامپ قبل و بعد از انتخابات، اینطور می‌توان برداشت نمود که ترامپ سعی می‌کند سیاست‌های اسلاف خود را حفظ نموده و منابع را به تضمین منافع مسلم و حیاتی خود و هم‌تایان خود در شورای همکاری خلیج فارس در منطقه اختصاص دهد. ترامپ با تهاجم موشکی به یک پایگاه هوایی راهبردی در سوریه در واکنش به حمله شیمیایی رژیم بشار اسد به غیرنظامیان، پیغام مهمی را برای منطقه در سوریه از خود بروز داد. عربستان سعودی امید دارد این حرکت‌ها از جانب ایالات متحده گسترش یافته و حتی بتواند برای سازش قابل پذیرش در جنگ داخلی سوریه، به روسیه فشار وارد نماید.

در نگاه به منطقه به صورت وسیع‌تر، عربستان سعودی به بی‌ثباتی سیاسی و گسترش تروریسم به عنوان تهدیدات اصلی علیه پادشاهی سعودی و متفقانش می‌نگرد. الساغر به عراق، سوریه، لیبی و سومالی به عنوان

10. Aramco

11. initial public offering

12. state-owned Public Investment Fund

13. sovereign wealth fund

14. National Transformation Program

15. policy of reluctance

16. policy of reluctance

17. retrenchment

پرورندگان تروریسمی اشاره می‌کند که عربستان سعودی مجبور است با آنها مبارزه کند. در دسامبر ۲۰۱۵، عربستان سعودی تحت رهنودها و حمایت‌های وزیر دفاع و ولیعهد محمد بن سلمان، تشکیل ائتلاف نظامی اسلامی مبارزه با تروریسم<sup>۱۸</sup> متشکل از ۳۴ کشور را اعلام نمود که ایران، عراق و سوریه جزء آنها نبودند. در حالی که جزئیات مأموریت این ائتلاف هنوز مشخص نیست، الساغر بیان داشت که هدف اصلی، تشریک اطلاعات<sup>۱۹</sup> خواهد بود. یک بخش سایبری برای پایش رسانه‌های اجتماعی و شناسایی و تشریک اطلاعات مرتبط بین دولت‌ها و همچنین یک واحد نظامی وجود خواهد داشت که توسط ژنرال راحیل شریف فرمانده نیروهای نظامی پاکستان هدایت می‌شود. نهایتاً این ائتلاف به دنبال ترغیب اسلام معتدل و مبارزه با افراط‌گرایی در مذهب است.

---

18. Islamic Military Alliance to Fight Terrorism

19. intelligence

## نشست ۱ - چشم‌انداز ۲۰۳۰ سعودی: یک سال بعد

«بزرگترین فرصت در اینجا این است که یک تقاضای واقعی وجود دارد که با این تغییر، در حال تحقق است، و تحت تأثیر این اداره سیاسی واقعی بی مانند است» - خلود الدخیل<sup>۲۰</sup>

در طول نشست افتتاحیه، خلود الدخیل نایب رئیس گروه مالی الدخیل<sup>۲۱</sup>؛ النا لانچوویچینا<sup>۲۲</sup> اقتصاددان ارشد خاورمیانه و شمال آفریقای بانک جهانی؛ و عالیه مبیید مدیر ژئواکونومیک و استراتژی در مؤسسه بین‌المللی مطالعات راهبردی<sup>۲۳</sup>، پیشرفت‌های عربستان سعودی در خلال سال اول اجرای چشم‌انداز ۲۰۳۰ را بررسی نمودند. عربستان سعودی در مواجهه با فشار فوق‌العاده ناشی از قیمت‌های پایین نفت، سیاست‌های اصلاحی فراگیر و دیربازده را مطرح کرده، بدهی‌ها را افزایش داد و اقدامات ریاضتی را تصویب نمود که قبلاً امکان آنها وجود نداشت.

در این فرایند، برخی از اقدامات ریاضتی همچون کاهش منافع بخش عمومی و متوقف نمودن پروژه‌های زیرساختی، به اقتصاد مصرف‌کننده آسیب رسانده و حوزه‌هایی از بخش خصوصی را متحمل خسارت نمود و این در حالی بود که خود دولت به دنبال تحریک رشد آنها بود. با این حال، دولت پاسخگو بوده و فضا را برای انعطاف‌پذیری خود دیده است، که این کار از دید شرکت‌کنندگان در نشست به عنوان یکی از مهمترین نقاط قوت برنامه چشم‌انداز ۲۰۳۰ مورد توجه قرار گرفته بود.

در حالی که دامنه چشم‌انداز ۲۰۳۰ گسترده است و شامل سیاست‌هایی با هدف تقویت هویت ملی، افزایش مزایای سلامت و فراهم نمودن فضای بیشتر برای سازمان‌های غیردولتی است، اما قطعاً ماهیت آن اقتصادی باقی می‌ماند. این عنصر اقتصادی حول محور گسترش و تنوع بخشی به بخش خصوصی، افزایش درآمدهای بخش غیرنفتی، و افزایش سطح اشتغال برای اتباع سعودی می‌چرخد. در یک ژست خبری، دولت سعودی برنامه‌هایی را برای واگذاری مالکیت جزئی از جواهر سلطنتی اقتصاد سعودی یعنی آرامکو اعلام نمود. دولت همچنین برنامه دگردیسی ملی را با هدف بازسازی بخش دولتی و دستیابی به تراز مالی در دوره میان‌مدت تا ۲۰۲۰ را مطرح نمود.

شرکت‌کنندگان در نشست این تلاش آخر را به عنوان مهم‌ترین نقطه عطف سال گذشته در کاهش کسری بودجه ناشی از اصلاحات یارانه‌ها قلمداد نمودند. دولت در حال حاضر قیمت بنزین را به طور قابل توجهی افزایش داده و انتظار می‌رفت که یارانه‌های سوخت و آب را حذف نماید و معادل نقدی آن را به اقشار آسیب‌پذیر بدهد. شرکت‌کنندگان در نشست همچنین به تغییرات چارچوب‌های حقوقی و قانونی برای ترغیب مشارکت عمومی-خصوصی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به عنوان گام‌های مثبت اشاره نمودند.

20. Khlood Aldukheil

21. Aldukheil Financial Group

22. Elena Ianchovichina

23. International Institute for Strategic Studies

چشم انداز ۲۰۳۰ بدون مانع هم نیست. حجم زیاد اصلاحات و چارچوب زمانی تعیین شده محدود برای دستیابی به آنها، احتمالاً برخی از اهداف را دور از دسترس قرار می‌دهد. بسیاری از موانع، ساختاری هستند و یک نسل تلاش برای غلبه بر آنها به طول خواهد انجامید. شرکت‌کنندگان در نشست، به عامل انسانی - داشتن شهروندانی هم آماده و هم دارای ظرفیت برای تغییرات عمده - به عنوان بزرگ‌ترین چالشی اشاره کردند که چشم‌انداز ۲۰۳۰ با آن مواجه خواهد شد. بر اساس اظهارات الدخیل، مانع اصلی، «کمبود منابع انسانی واجد شرایط و شایسته که دانش و مهارت برای تأثیرگذاری واقعی بر تغییر چشم‌انداز را داشته باشند» است.

موفقیت، مستلزم این است که رشد بخش خصوصی و بهبود سیستم آموزشی توأم با هم حرکت کرده و از طریق فراهم نمودن فرصت‌های شغلی و تأمین نیروی کار ماهر برای پر کردن آنها، مکمل یکدیگر باشند. لانچ‌وویچینا بیان داشت که «اگر رشد بخش خصوصی افزایش یافته و کیفیت آموزش نیز برای تجهیز نیروی کار جوان مورد نیاز شرکت‌ها بهبود یابد، رشد فزاینده مثبت را شاهد خواهیم بود و این به تحقق چشم‌انداز کمک خواهد نمود». از آنجایی که دولت تصمیم به منطقی کردن بخش عمومی برای ایجاد دولت کارا تر دارد، در انجام این کار، تعداد شغل‌های در دسترس را محدود خواهد نمود. اگر رشد متناظر بخش خصوصی که بتواند شغل کافی را تأمین نماید ممکن نباشد، حجم انبوهی از کارگران بیکار و به تبع آن مشکلات فراوانی را ایجاد خواهد نمود. لانچ‌وویچینا افزود «این یک قانون متوازن‌کننده ممتاز است، که شامل تمرکز بر جوانان برای بررسی انتظارات مدیریتی، زمان‌بندی اصلاحات، هماهنگی اصلاحات، و جمع‌آوری داده‌های یک ماهیت متفاوت برای پیش‌پیشرفت است».

دولت سعودی باید علاوه بر جوانان، نسبت به توانمندسازی زنان نیز از طریق وارد کردن آنها به نیروی کار همت گمارد. بر اساس اظهارات یکی از شرکت‌کنندگان در نشست، نرخ فعلی بیکاری زنان در عربستان سعودی حدود ۳۶ درصد است، به گونه‌ای که زنان این کشور کمترین نرخ مشارکت در نیروی کار را در جهان دارند. پیش‌راندن اقتصاد به جلو برای تحقق اهداف چشم‌انداز ۲۰۳۰، بدون شمول فراگیرتر زنان ممکن نیست. عربستان سعودی همچنین باید احتمال خلق نابرابری‌های اجتماعی جدید را نیز مدیریت کند، پدیده‌ای که در حال حاضر هم احساس می‌شود. شرکت‌کنندگان در نشست عنوان داشتند که دولت می‌تواند این موضوع را از طریق بررسی منظم جمعیت و تعدیل سیاست‌های متناظر، مدیریت نماید. در واقع، یک راهبرد ارتباطی دقیق در خصوص جمعیت سعودی، برای همراه کردن مردم و کاهش تنش‌های اجتماعی و اقتصادی، بسیار ضروری است. تمام شرکت‌کنندگان در نشست بر اهمیت جمع‌آوری، تحلیل و توزیع داده‌ها به منظور حفظ شفافیت برای دولت و سرمایه‌گذاران تأکید نمودند.

ارتباط بین بخش خصوصی و دولت دستخوش تغییر هستند و یافتن یک سطح مناسب از موازنه و ارتباط، حائز اهمیت است، زیرا به بخش خصوصی صرفاً به عنوان یک مشتری دولت نگریسته نمی‌شود. به عنوان مثال، زمانی که دولت اقدامات ریاضتی را در خلال طرح چشم‌انداز ۲۰۳۰ آغاز نمود، این اقدامات به بخش خصوصی آسیب وارد ساخت، در حالی که فرض بر این بود که کارآفرینان خصوصی رشد نمایند. به عنوان مثال، کاهش مخارج

دولت، باعث صدمه به صنعت ساختمان گردید. دولت برای ارزیابی مجدد میزان اولویت، پروژه‌های آتی را لغو نمود و با انجام این کار، رکود اقتصاد را شتاب بخشید. با این حال، بخش خصوصی می‌توانست به طور اثربخشی نگرانی‌های خود را به دولت منعکس نماید، و اقداماتی نیز برای گذر از این وضعیت انجام شده بود.

دولت از طریق گسترش بخش خصوصی در تلاش برای محدود کردن جریان‌های خروجی ارز در بخش‌هایی همچون بخش‌های دفاعی و سلامت از طریق سیاست صنعتی جایگزینی واردات است. شرکت‌کنندگان در نشست همچنین در مورد دام‌های «انتخاب صنایع پیشرو»<sup>۲۴</sup> در میان صنایع هشدار دادند. آنها تأکید نمودند که ملاحظات دقیق باید در مورد مزایای رقابتی و غلبه بر محدودیت‌ها اصلی، به ویژه در باز توسعه مناطق اقتصادی اعمال گردد.

در حالی که موانع بسیار زیاد هستند، اما عربستان سعودی مزایای متعددی دارد. اولین و مهم‌ترین آنها، همبستگی هدف و اراده آشکار رهبری برای اجرای این تغییرات است. این کشور همچنین فاقد صنایع فرسوده است و نیروی کار آن در مقابل تغییرات جهانی ناشی از اتوماسیون و فناوری‌های نوین مقاومت نمی‌کنند. دولت همچنین دارای منابع مالی هنگفت برای سرمایه‌گذاری و یک فضای سیاسی باثبات است که برای سرمایه‌گذاران خارجی مناسب و امن است. به گفته لانچووچینا، در حالی که کشورهای دیگر باید «یک خانه قدیمی را بازسازی کنند»، اما عربستان سعودی می‌تواند «یک ساختار جدید» را ایجاد نماید.

## نشست ۲ - شوک فرهنگی: چشم انداز ۲۰۳۰ سعودی و تغییرات اجتماعی

«... در غیاب شفافیت در مورد تغییرات اجتماعی و فرهنگی در این برنامه، فضا برای تنش و کشمکش‌های احتمالی بین گروه‌های مختلف جامعه از این باب وجود دارد که این تغییرات اجتماعی و فرهنگی به کجا باید بروند» -

احمد العمران<sup>۲۵</sup>

در حالی که چشم انداز ۲۰۳۰ سعودی عمدتاً یک برنامه اصلاحات اقتصادی است، اما همچنین دارای مؤلفه‌های اجتماعی است که شامل ترویج هنر، سرگرمی، ورزش، سازمان‌های غیردولتی و تقویت هویت ملی سعودی است. مضاف بر این، اصلاحات بلندپروازانه مطروحه در این برنامه نمی‌تواند بدون خلق تنش‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جدید در جامعه سعودی به بار بنشیند.

در نشست کارگروه دوم، هالا الدوساری<sup>۲۶</sup> استاد محقق مدعو مؤسسه دولت‌های خلیج فارس در واشنگتن، لینا المعینا<sup>۲۷</sup> عضو مجلس شورای سعودی<sup>۲۸</sup> و احمد العمران روزنامه نگار، بیان داشتند که بسیاری از تغییرات اجتماعی در حال انجام در عربستان مربوط به قبل از چشم انداز ۲۰۳۰ سعودی است، اما ایشان همچنین اظهار داشتند که چارچوب دگردیسی ملی می‌تواند ابزاری مهم برای پیشروی تغییرات اجتماعی و فرهنگی باشد. شرکت‌کنندگان در نشست بر این موضوع اتفاق نظر داشتند که مهم‌تر از طرح یک سیاست اصلاحات اجتماعی واحد، داشتن دید و بینش کلی در این مورد است که کشور به کجا باید برود. در حالی که این کشور هنوز فاقد این دید است، اما همین قصد و انگیزه برای تغییر و تحول در جامعه سعودی نیز مطلوب است.

با این حال زمانی که نوبت به اجرای برنامه می‌رسد، چشم انداز ۲۰۳۰ در مورد چگونگی مدیریت اختلافات توسط دولت و جامعه و نکات مورد مناقشه‌ای که هم آشکار و هم پیش‌بینی نشده هستند، سکوت می‌کند. به عنوان مثال، چشم انداز ۲۰۳۰ در مورد قصد برای وارد کردن زنان بیشتر در نیروی کار و افزایش نرخ مشارکت آنان از ۲۲ به ۳۰ درصد، شفاف و روشن است. بر اساس اظهارات الدوراسی، در حال حاضر زنان فاقد استقلال برای مشارکت فعال در نیروی کار هستند. تمام محظورات برای نقش فعال‌تر زنان در اقتصاد، شامل قابلیت دسترسی به خدمات مهد کودک و توانایی رانندگی خودرو، اختلاط با جنس مخالف در ملاء عام، و تصمیم‌گیری بدون کسب اجازه از قیم مرد، در برنامه مورد بحث قرار نگرفته و دولت نیز در این مورد به مردم توضیح نداده که چگونه می‌خواهد این موضوعات را حل نماید.

مثال شفاف دیگر در مورد تعیین اهداف اصلاحی با وجود سؤالات پاسخ داده نشده، ترویج هنر معاصر عربستان سعودی است. عمران بیان داشته که «این در اینجا سخت‌تر است، زیرا شما با جامعه‌ای روبرو هستید که دارای فرهنگ عرفی بسیار محافظه کارانه و سنتی است که اگر هنرمندانی بخواهند این فرهنگ را به چالش بکشند، قطعاً

25. Ahmed Al Omran

26. Hala Aldosari

27. Lina K. Almaena

28. Saudi Shura Council Member

منجر به منازعه و واکنش خواهد شد». «خیلی جالب است که ببینیم دولت چگونه می‌خواهد در مورد واکنش به این موضوع تصمیم‌گیری نماید». در حالی دولت تا کنون با چنین مخالفت‌هایی مواجه نبوده، عمران می‌خواهد بداند که با ادامه و توسعه برنامه و به تبع این اختلافات، دولت چگونه می‌خواهد منازعات مربوط به هنر را تحمل نماید. هنرمندان تا کجا می‌توانند مرزهای فرهنگی را تغییر دهند؟ آیا محدودیتی در مورد نوع هنر ایجاد می‌کند یا مکان نمایش آنها وجود خواهد داشت؟ باز هم تمام این سؤالات به عنوان یک معما در ارتباط با سیاست دولت و دامنه اصلاحات پیش‌بینی شده توسط رهبری سعودی باقی می‌ماند.

این اختلاف بین شفایت در سیمای اقتصادی و سکوت در سیمای اجتماعی برنامه، می‌تواند بیانگر هدف دولت برای جلوگیری از مواجهه و مقابله و یا اولویت بخشی آرامش اجتماعی بر تغییرات اجتماعی باشد. این ممکن است همچنین پیش فرضی برای میل به عقب نشینی باشد، در صورتی که هر یک از پیامدهای اجتماعی یا فرهنگی چشم انداز ۲۰۳۰ گونه‌ای از مخالفت عمومی را ایجاد نماید. شرکت‌کنندگان در نشست دریافتند که اصلاح طلبان در دولت کار زیادی را برای به چالش کشیدن افراتیون و تعدیل بخش‌های مرتجع‌تر جامعه و دولت انجام نداده‌اند. در این ارتباط، ایجاد یک جامعه مدنی قدرتمند، امری بنیادی برای اصلاحات است، جامعه‌ای که به عنوان یک وزنه تعادل در برابر گروه محافظه کار مذهبی که مسلط بر فضای اجتماعی هستند، عمل می‌کند. یک جامعه مدنی قوی همچنین تضمین می‌کند که دولت تنها آغازگر، مجری و داور اصلاحات در کشور نیست.

برخی از شرکت‌کنندگان در نشست به سیاست‌های اقتصادی مانند اصلاح یارانه‌ها اشاره داشتند که مؤلفه‌های اجتماعی مهمی دارند. در حالی که محاسبه میزان پس‌انداز پول ناشی از کاهش یارانه‌ها امری آسان است، اما تعیین اثرات آن بر رابطه بین دولت و مردم بسیار دشوار است. مهم‌تر از آن، با توجه به اینکه رفاه عمومی کاهش یافته و وابستگی اقتصاد به تولید شهروندان خصوصی بیشتر می‌شود، آیا یک قرارداد اجتماعی جدید ایجاد می‌گردد؟ یکی از نکات مورد بحث بین شرکت‌کنندگان در نشست، در مورد چگونگی اثرگذاری نسل جوان بر اصلاحات است. جوانان سعودی - که دو سوم جمعیت را تشکیل می‌دهند - به طور گسترده‌ای آنلاین هستند و به گونه‌ای در معرض جهان هستند که نسل‌های قبلی نبودند و جایگاه‌های سطح وزارتی را در دولت می‌گیرند.

در میان تغییرات ایجاد شده ناشی از این، افزایش حضور مقامات دولت در رسانه‌های اجتماعی است. در حالی که سرشت اصلی دولت، سانسور رسانه‌های اجتماعی بوده، در حال حاضر دولت ورود به مذاکرات آنلاین را گزینه بهتری یافته است. اما شرکت‌کنندگان در نشست با اشاره به سنگربندی نسل قدیمی‌تر در دولت و اقتصاد، بیان داشتند که پیشرفت اصلاحات پیاپی، آسان نخواهد بود، زیرا افراد جوان اکثریت جامعه را تشکیل می‌دهند.

دولت دستاوردهای مهمی از جمله محدود کردن قدرت پلیس دینی برای اذیت کردن شهروندان در مکان‌های عمومی داشته است. زمانی که نوبت به مشارکت زنان در جامعه می‌رسد، المعینا به افزایش تدریجی در طول سال‌های متعدد و در سراسر بخش‌ها اشاره کرده و بیان می‌دارد که در نظر گرفتن این موضوع مهم است که تا سال ۲۰۰۱ زنان نمی‌توانستند کارت هویت ملی داشته باشند، در حالی که اکنون آنها عضو مجلس شورا، بالاترین شورای مشورتی به پادشاه، هستند.



در حالی که مقاومت در برابر اصلاحات اجتناب ناپذیر است، دولت پافشاری خود را در اهداف اصلاح اجتماعی نشان داده است. یکی از نمونه‌هایی که مخالفت‌هایی محافظه کارانه را برانگیخته، عرضه گزینه‌های سرگرمی و تفریحی بیشتر برای عموم مردم از جمله سینما و موسیقی زنده است. در سال ۲۰۱۶، یک مرجع مربوط به امور سرگرمی با حمایت ولیعهد برای کمک به بهبود کیفیت زندگی در عربستان سعودی ایجاد شد. اما بخش‌های خاصی از جامعه واکنش منفی داشته‌اند، از جمله مفتی اعظم که با معرفی چنین گزینه‌های سرگرمی مخالفت نمود. در واکنش، دولت با ظرافت عمل کرد و به نظر می‌رسد که با این وجود راه خود را به جلو ادامه خواهد داد. در حالی که برخی از شرکت‌کنندگان در نشست معتقدند که عناصر محافظه کار ممکن است در مورد مخالفت به همه اصلاحات اجتماعی به دلیل حمایت خاندان سلطنتی از آن مردد باشند، اما آنها می‌توانند چالش‌های قابل توجه‌تری را در مورد منافع و ساختار قدرت در بخش‌های دیگر جامعه ایجاد نمایند. به اعتقاد شرکت‌کنندگان در نشست، به خصوص بخش حقوقی و قضایی بیشترین مقاومت را در برابر تغییر داشته‌اند. قضات از اختیار آزادی عمل گسترده‌ای برخوردارند و دولت خود را در موقعیت نامناسبی می‌بیند، لذا به دنبال اصلاح نظام قضایی است. همچنین مقاومت‌هایی از جانب بدنه دولت برای تغییر سریع مؤسساتی وجود دارد که نیاز به ثبات دارند.

شرکت‌کنندگان در نشست، از مباحث خود، به نقش و نفوذ مذهب در شکل‌دهی سیاست و تدوین هویت سعودی پی بردند. شرکت‌کنندگان دریافتند که سلطه وهابیت در حال کاهش است و اینکه نهاد مذهبی، گرچه هنوز هم محوریت دارد، اما نقش پیش کنشی کمتری را در شکل‌دهی سیاست‌ها ایفا می‌کند. شرکت‌کنندگان در نشست این سؤال را مطرح کردند که آیا نهاد مذهبی در عربستان سعودی هم در همان جهتی حرکت می‌کند که الازهر در مصر رفته، یعنی یک نهاد منفعل که بیشتر تمرکز آن به جای سیاست عمومی، موضوعات اجتماعی است.

بالاخره دولت نیاز به اصلاحات اقتصادی دارد. و بدون برخی تغییرات اجتماعی پیرامونی، پیشرفت اقتصادی محدود خواهد بود. این می‌تواند دولت را مجبور به حرکت دادن رو به جلوی پیشرفت اجتماعی و فرهنگی نماید. بنابراین، در حالی که چشم انداز ۲۰۳۰ با پیشنهادات اقتصادی به بهترین وجه شناخته می‌شود، اما می‌تواند ابزاری برای تغییر در سایر جبهه‌ها نیز باشد.

### نشست ۳ - دگردیسی اقتصادی و وضعیت جهانی عربستان سعودی

«خاورمیانه در حال چند پاره شدن است و عربستان سعودی با موقعیت دشوار فزاینده‌ای مواجه است. بنابراین از این دیدگاه من فکر می‌کنم که در پادشاهی این درک به وجود آمده که نیاز به اقدام است و اینکه عدم فعالیت در پایان کار بسیار زیان‌آورتر است».<sup>۲۹</sup> کریستین کوخ

در خلال نشست سوم، کریستین کوخ مدیر بنیاد مرکز تحقیقات خلیج فارس<sup>۳۰</sup>؛ تیم لندرکینگ<sup>۳۱</sup> معاون دستیار وزیر ایالات متحده در امور خلیج فارس<sup>۳۲</sup>؛ و محمد السولامی<sup>۳۳</sup> رئیس مرکز خلیج فارس برای مطالعات ایرانی<sup>۳۴</sup> در مورد جایگاه عربستان سعودی در منطقه و روابط آن با همسایگان و متحدانش به خصوص ایران و ایالات متحده بحث نمودند. هر سه این شرکت‌کنندگان آشفتگی را در خاورمیانه احساس نمودند که مستلزم سیاست خارجی قوی از جانب عربستان سعودی است و این کشور باید به ظرفیت‌سازی برای حضور اثربخش در منطقه ادامه دهد. آنها نگرانی خود را در این خصوص ابراز داشتند که بهار عربی باعث ایجاد کشورهای شکست خورده‌ای شده که زمینه را برای پرورش تروریست‌ها فراهم می‌کردند و اینکه متحدان سنتی مانند مصر، ضعیف شده‌اند و دیگر توانایی حفظ ثبات در منطقه را ندارند.

در حالی که عربستان سعودی در چند سال اخیر خصوصاً منابع نظامی و سیاسی خود را افزایش داده، اما هنوز هم کارهای محدودی را در منطقه می‌تواند انجام دهد و با محدودیت‌هایی در توانایی خود برای غلبه بر موضوعاتی فراتر از حیطه جغرافیایی نزدیک خود مواجه است. نهایتاً عربستان سعودی و دولت‌های عضو شورای همکاری خلیج فارس نیاز به یک شریک فعال‌تر در ایالات متحده دارند که بتواند تلاش‌های منطقه‌ای برای حل منازعات را پشتیبانی نماید.

شرکت‌کنندگان در نشست به اثرات منفی تغییرات گسترده بین سیاست‌های خارجی مربوط به خاورمیانه بین بوش و اوباما اذعان داشتند. عربستان سعودی پس از آنکه مشاوره‌های آن در مورد چگونگی رویکرد به منطقه، اول در مورد تجاوز به عراق در سال ۲۰۰۳ و سپس در مورد عواقب بهار عربی، نادیده گرفته شد، تنها رها شد. مضاف بر این، رهبران سعودی بر این باورند که در طی هشت سال گذشته، اوباما به واسطه سیاست از نوسنگ‌سازی باعث صدمه به منافع ایالات متحده و عربستان سعودی در منطقه شده است. زمانی که اوباما نتوانست خط قرمز خود را علیه استفاده از تسلیحات شیمیایی در سوریه اجرا کند، تصویر از ایالات متحده را در منطقه لکه دار نمود و به نوبه خود، متحدان عرب خلیج فارس خود را تضعیف نمود. نهایتاً، نزدیکی ظاهری با ایران به واسطه توافق هسته‌ای،

29. Christian Koch

30. Gulf Research Center Foundation

31. Tim Lenderking

32. U.S. deputy assistant secretary of state for Arabian Gulf Affairs

33. Mohammad Alsulami

34. Arabian Gulf Centre for Iranian Studies

عقیده عربستان سعودی را در این مورد استوار نمود که او با ما از منافع و نگرانی‌های کشورهای عرب خلیج فارس روی برگردانده است.

با انتخاب ترامپ، این خوش بینی در میان کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به وجود آمد که دولت وی در اکثر موضوعات امنیتی منطقه با آنها همسو است که از آن جمله، ایران و مبارزه با تروریسم است. هر سه نفر شرکت کننده در نشست اعتقاد داشتند که هواخواهی دولت ترامپ توسط عربستان سعودی با اغراق همراه است و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس باید دقت کنند که انتظارات ناممکنی در مراحل اولیه نداشته باشند. با این وجود، دولت ترامپ نشانه‌های مهمی را برای خلیج فارس از خود بروز داده که از آن جمله عبارتند از: انتخاب عربستان سعودی به عنوان اولین مقصد سفر خارجی ترامپ، برگزاری دیدارهایی با مقامات سعودی در تمام سطوح دولت، پیوستن به حمله موشکی علیه نیروی هوایی اسد در سوریه، و افزایش پشتیبانی از ائتلاف با رهبری عربستان در یمن. لندرکینگ، چرخش ترامپ به سمت خلیج را مهمترین تغییر سیاست خارجی این دولت می‌داند.

مطمئناً ترامپ به افزایش بار سهم طرف سعودی به عنوان رابطه متقابل اصلی این پشتیبانی می‌نگرد. در حالی که تمام شرکت کنندگان در نشست بر این موضوع توافق داشتند که عربستان سعودی در حال حاضر تلاش زیادی برای رابطه با ایالات متحده می‌کند، اما هنوز هم جا برای کار بیشتر پادشاهی عربستان در مناطق مورد نزاع مانند عراق، به خصوص از طریق مذاکرات سیاسی، وجود دارد. مقامات جدید کاخ سفید وضعیت حمایتی تری را در یمن اتخاذ کرده‌اند؛ با این حال این روشن است که پنتاگون و دیگر مقامات، راه حل سیاسی را بر پیروزی در میدان نبرد ترجیح می‌دهند. شرکت کنندگان در نشست به این باور عربستان سعودی تمایل داشتند که جنگ در یمن نه یک انتخاب بلکه یک ضرورت بوده است. آنها همچنین باور داشتند که اکثر جهان، تهدیدی را که عربستان سعودی از ناحیه جنوبی خود دارد، درک نمی‌کنند. در این دو سال، عربستان سعودی در مورد هزینه‌های جنگ، هم از لحاظ جان افراد و هم منابع، بسیار حساس بوده است. همان طور که دولت، اصلاحات اقتصادی مطروحه در چشم انداز ۲۰۳۰ را به پیش می‌برد، جنگ نیز یک مسئولیت است که فشار مضاعفی را بر بودجه سعودی وارد می‌کند. سیاست فعلی ایالات متحده، پشتیبانی از ائتلاف با رهبری عربستان، حرکت به سمت راه حل سیاسی با حفظ جلوداری سازمان ملل متحد، و نهایتاً محدود کردن حضور ایران در یمن تا حد ممکن است.

شرکت کنندگان در نشست بر این نکته توافق داشتند که نگرش به ایران به عنوان چهره متجاوز در منطقه در حال تزلزل است. لندرکینگ بیان می‌دارد که ایالات متحده و عربستان سعودی به واکنش‌های همسو و مناسب در برابر اقدامات تجاوزکارانه ایران در منطقه از جمله تأمین تسلیحات برای مرتجعین در بحرین و عملیات ایذایی علیه ناوهای ایالات متحده در خلیج فارس نیازمند هستند. شرکت کنندگان در نشست نگرانی در این مورد را ابراز نمودند که ایران از فرقه گرایی به عنوان یک اهرم برای صدور انقلاب و گسترش نفوذ خود در منطقه استفاده می‌کند. عربستان سعودی معتقد است که نهادهای سیاسی ایران، حتی با انتخاب مجدد حسن روحانی به عنوان رئیس‌جمهور، تا زمانی که رهبری مسئول مهمترین امور مملکت است، بی اهمیت هستند. نهایتاً اینکه عربستان

سعودی و ایران باید راهی را برای همزیستی مسالمت آمیز در منطقه پیدا کنند، گرچه شرکت کنندگان در نشست هیچ پیشنهادی در مورد چگونگی انجام این کار ارائه نمودند.

در نهایت، شرکت کنندگان در نشست در مورد قانون عدالت علیه حامیان تروریسم<sup>۳۵</sup> که در سپتامبر ۲۰۱۶ در کنگره ایالات متحده به تصویب رسید، بحث نمودند. قانون عدالت علیه حامیان تروریسم، دولت عربستان سعودی را در معرض اقدام حقوقی دادگاه‌های ایالات متحده قرار می‌دهد؛ به این استناد که این کشور مقصر حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ است. این می‌تواند ریسکی برای سرمایه‌گذاری‌های مالی عربستان در ایالات متحده باشد. شرکت کنندگان در نشست اعتقاد داشتند که این قانون، تأسف بار است و باید در زمانی دیگر مورد بررسی قرار گیرد، اما موضوعات مهم‌تری در دستور کار قرار داشت. قانون عدالت علیه حامیان تروریسم، به عنوان یک «لکه دردناک و آزار دهنده» باقی خواهد ماند تا زمانی که مورد بازبینی قرار گیرد.

## نتیجه‌گیری

چشم انداز ۲۰۳۰ نوید آینده روشنی را برای عربستان سعودی به ارمغان می‌آورد، البته اگر دولت، اقدامات اعلامی را برای اجرای اصلاحات ضروری به انجام برساند. چالش‌ها فراوان هستند و شامل دگردیسی یک اقتصاد کامل، بازسازی دولت، و تحریک جامعه برای انجام وظایفشان، همه تنها در طول ۱۴ سال است. در حالی که دولت نمی‌تواند تمام اقدامات مورد نظر را تا سال ۲۰۳۰ به انجام برساند، اما گام‌های مهمی را برداشته که می‌تواند این کشور را در مسیری پایدار برای آینده قرار دهد.

در همین حال، اصلاحات اقتصادی و سیاسی که امروزه اجرا می‌شوند، قطعاً با تغییرات و تنش‌های اجتماعی همراه خواهند بود که قابل چشم پوشی نیستند. عربستان سعودی یک جامعه محافظه کار مذهبی است که برای پیشرفت، باید خود را با اقتصاد مدرن جهانی تطبیق دهد. هرگونه بلندپروازی برای تحریک تغییرات اقتصادی باید نیمی از نیروی کار بالقوه‌ای را که در حال حاضر به طور عمده‌ای از کار محروم بوده‌اند به کار گیرد. علاوه بر این، گسترش بخش خصوصی و ایجاد جامعه مدنی بازتر می‌تواند تقاضاهای جدیدی را از ناحیه عموم ایجاد کند و ماهیت دیرین قرارداد اجتماعی را دگرگون نماید.

خارج از مرزها، چالش‌های عربستان سعودی تنها در آشفتگی و بی‌ثباتی رشد کرده‌اند. در خلاءهای سیاسی که در سوریه، یمن، شاخ آفریقا و شاید عراق رخ داده، عربستان سعودی خود را در یک نبرد مهلک با ایران و بلندپروازی‌های جمهوری اسلامی شیعه برای تسلط در منطقه می‌بیند. در یک تلاش برای تحکیم جایگاه خود در برابر ایران، عربستان سعودی سعی در تقویت روابط خود با ایالات متحده با رئیس‌جمهور جدید و غیرقابل پیش‌بینی‌اش خواهد نمود. رهبران سعودی خوش بین هستند که دولت ترامپ با منافع آنها همسو بوده و با اهداف سیاستی آنها در منطقه نیز همراستا باشد. زمان مشخص خواهد کرد که آیا محاسبات آنها درست است یا خیر.

## ملاحظات اصلی

فیصل بن فرحان آل سعود، مشاور وزیر امور خارجه عربستان سعودی

### معرفی توسط جرج سالم<sup>۳۶</sup>

سخنران اصلی ما امروز جناب آقای فیصل بن فرحان آل سعود مشاور وزیر امور خارجه عربستان سعودی هستند. اکنون طبق روال معمول از همه می‌خواهم که موارد مکتوب را برای جزئیات بیشتر مواردی که من به طور خلاصه بیان می‌کنم، مرور کنند. به هر حال، سخنران اصلی ما بسیار بی‌کبکه و دبدبه و بسیار متواضع هستند، به گونه‌ای که مطالب بسیار اندکی در مورد ایشان نوشته شده است. لذا من می‌خواهم کمی بیشتر کنکاش کنم و کمی بیشتر با او بحث کنم.

او پس از خواندن مدیریت بازرگانی در دانشگاه ملک سعود، در سال ۲۰۰۰ رئیس شرکت هواپیمایی السلام<sup>۳۷</sup> شد و در سال ۲۰۰۴، شرکت سرمایه‌گذاری شمال<sup>۳۸</sup> را تأسیس نمود. تا زمان انتصاب ماه گذشته به عنوان مشاور وزیر امور خارجه، او رئیس شمال بود که یک هلدینگ شامل پنج شرکت موفق در بخش دفاعی است. علاوه بر موفقیت او به عنوان یک کارآفرین و رهبر بازرگانی، شاهزاده فیصل یک پیشروی قابل احترام در موضوعات مربوط به سیاست خارجی است. حرف او در دادگاه سلطنتی در مورد روابط ایالات متحده و عربستان جایگاه ویژه‌ای دارد و نظرات وی در توئیتر حول موضوعات سیاست خارجی پادشاهی عربستان در میان معتبرترین‌ها است؛ در واقع بسیاری از او به عنوان «ستاره توئیتر» یاد می‌کنند. ماه گذشته ملک سلمان وی را به عنوان مشاور وزیر امور خارجه منصوب نمودند. در این مورد بنده اطمینان دارم که ما مطالب بسیار بیشتری را در مورد او در اینجا در واشنگتن در ماه‌ها و سال‌های آینده خواهیم دید و شنید. لطفاً با بنده برای استقبال از سخنران اصلی جناب شاهزاده فیصل بن فرحان آل سعود همراهی بفرمایید.

### فیصل بن فرحان آل سعود

می‌خواهم از مؤسسه دولت‌های خلیج فارس در واشنگتن برای میزبانی این رویداد و دعوت از بنده برای ارائه این سخنرانی قدردانی کنم. و خرسندم که شاهد چنین حضور گرمی هستم و می‌دانم که افراد بسیار بیشتری می‌خواستند که در این رویداد شرکت کنند. معتقدم که عربستان سعودی داستان شگرفی برای گفتن دارد، هرچند غالباً بیان آن به نحوی اثربخش نبوده است. ما سعی می‌کنیم آن را تعدیل کنیم و خوشبختانه این رویداد و رویدادهای مشابه، به درک بهتر کمک خواهند کرد.

حدود یک سال پیش، ملک سلمان مجموعه‌ای از اهداف راهبردی بلندمدت را برای آینده پادشاهی تصویب نمود. چشم انداز ۲۰۳۰ که تحت نظر ولیعهد محمد بن سلمان هدایت می‌گردد، مسیر حرکت پادشاهی را به سمت

36. George R. Salem

37. Al-Salam Air Company

38. Shamal Investment Company

شکوفایی و رونق پایدار برای مردم عربستان سعودی نشان می‌دهد. امروز که یک سال از این سفر طی شده، ما درک بهتری از چالش‌ها و فرصت‌هایی داریم که با آنها مواجه می‌شویم.

پس از انتشار چشم‌انداز، ۱۲ ماه اول تمرکز بر ایجاد برنامه‌های جزئی و اقدامات ضروری برای دستیابی به اهداف وسیع‌تر چشم‌انداز بوده است. ما قبلاً هم طرح‌های پنج ساله با اهداف بلندپروازانه مشابه آنچه در چشم‌انداز ۲۰۳۰ مطرح شده، داشتیم. چیزی که در اینجا جدید است، التزام چشم‌انداز به مجموعه‌ای از اهداف قابل سنجش و کاملاً تعریف شده است. مکانیزم‌های پاسخگویی خاص و ذینفعان مرتبط با هر هدف شناسایی شده و آنها دائماً برای تضمین موفقیت، مورد سنجش قرار می‌گیرند.

همانطور که اقتصاد را متنوع می‌کنیم، قصد داریم درآمدهای غیرنفتی را سه برابر کرده و تا سال ۲۰۲۰ آن را به ۱۴۱ میلیارد دلار رسانده و ۴۵۰ هزار شغل دولتی جدید خلق کنیم. و همان طور که سیاست‌هایی را برای توانمندسازی بخش خصوصی معرفی می‌کنیم، هدف ما افزایش سهم این بخش در تولید ناخالص داخلی از ۴۵ درصد به ۶۰ درصد است. ما همچنین به دنبال افزایش توانمندی زنان از طریق افزایش نرخ مشارکت آنها در نیروی کار از ۲۲ به ۳۰ درصد هستیم تا نقش پررنگ‌تری را در جامعه ایفا نمایند. ۱۰ سال قبل، دیدن زنان در جلسات دولت امری نامتداول بود. امروز، وقتی که من به نشست‌های دولتی در دستگاه‌های مختلف می‌روم، با احتمال بیشتری با زنان متعددی روبرو می‌شوم که در فرایند تصمیم‌گیری دخیل هستند.

عرضه عمومی اولیه سهام شرکت آرامکو در کانون توجه ناظران قرار گرفت، اما ما همچنین برنامه‌هایی را برای خصوصی‌سازی شرکت‌های بزرگ دولتی داریم که حدود ۲۰۰ میلیارد دلار ارزش دارند. هدف این تلاش‌ها، ارتقای کارایی و خلق درآمد برای سرمایه‌گذاری مجدد در صنایع جدید است. ما همچنین طرح‌هایی برای توسعه ۱/۵ تریلیون دلاری ذخایر معدنی بهره‌برداري نشده داریم. این نه تنها شغل ایجاد می‌کند بلکه فرصت‌های قابل توجهی را نیز برای صنایع جدید خلق می‌کند.

هر ساله بیش از ۱/۵ میلیون مسلمان در مراسم حج شرکت می‌کنند. علاوه بر دو شهر مقدس، این پادشاهی همچنین از موهبت داشتن زیبایی‌های طبیعی متنوع و میراث فرهنگی و معماری ۶ هزار ساله برخوردار است. این زمینه پربار برای صنعت پویای گردشگری، فرصت‌های اقتصادی قابل توجهی را در چارچوب چشم‌انداز فراهم می‌کند. گردشگری و هتل‌داری تنها دو بخش از بخش‌های در حال ظهور و گسترش اقتصاد ما هستند. در بخش صنعت، پس از خود صنعت، ما در حال رشد کسب و کارها و تولید شغل هستیم. تمرکز دیگر دگردیسی ما، ایجاد فرصت‌هایی برای هنر و سرگرمی است. این علاوه بر منافع اقتصادی، منافع اجتماعی نیز به همراه دارد.

سرمایه‌گذاران خارجی یک شریک پرابهت و شگفت‌انگیز به نام صندوق سرمایه‌گذاری عمومی سعودی - به عنوان یکی از بزرگترین صندوق‌های ثروت ملی در جهان - را در کنار خود دارند. این صندوق به منظور تنوع بخشی به اقتصاد در داخل و خلق درآمد در خارج، پروژه‌ها را تأمین مالی می‌کند. این صندوق به دنبال سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوین و سرمایه‌گذاری‌های دارای ارزش راهبردی برای پادشاهی - ارزش راهبردی برای دگردیسی اقتصادی پادشاهی - است.

برای ۵ سال اول، ۷۵۵ اقدام در برنامه دگردیسی ملی پیش‌بینی شده است. ما در تلاش اول در همه موارد موفق نخواهیم شد، اما در حال درس گرفتن هستیم. یکی از مؤلفه‌های اصلی چشم‌انداز و یکی از مواردی که بیشترین چیز را شخصاً به من داده این است که من از بخش خصوصی می‌آیم، و یکی از چیزهایی که مرا ترغیب نموده، اراده برای بررسی دائم و درک این موضوع است که کجا اشتباه کرده‌ایم، کجا دولت اشتباه کرده و نهایتاً تعدیل این اشتباهات در خلال برنامه است. هیچ نخوتی در کار نیست. تمام تمرکز بر دستیابی به اهداف نهایی است. ما از سیاست‌گذاران و صاحبان ایده می‌خواهیم که از این اقدامات پشتیبانی کنند و همچنین از صاحبان کسب و کار و سرمایه‌گذاران آمریکایی، چینی، ژاپنی و دیگر شرکای اقتصادی بالقوه برای مشارکت در آنها دعوت می‌کنیم. چشم‌انداز ۲۰۳۰ صرفاً یک برنامه برای اصلاحات اقتصادی نیست؛ بلکه یک تلاش کامل برای دگردیسی ملی است. ما به دنبال ایجاد جامعه‌ای پویاتر، اقتصاد پررونق و یک ملت بلندهمت و بلندپرواز هستیم.

می‌خواهم قدری در مورد روابط عربستان سعودی با ایالات متحده صحبت کنم. عربستان سعودی و ایالات متحده بیش از ۷۰ سال روابط راهبردی داشته‌اند. این رابطه منافع زیادی برای هر دو طرف داشته و بر مبنای منافع مشترک عظیم، با هم برای ثبات در خاورمیانه و منطقه کار کرده‌ایم. ما مشتاق ادامه این روند هستیم. برنامه ۲۰۳۰ شامل مفادی برای مشارکت‌های راهبردی در قرن ۲۱ است. و یکی از شرکای راهبردی ما ایالات متحده خواهد بود و در این ارتباط، ما مشتاق همکاری هم در طرف سرمایه‌گذاری و هم در طرف قدرت خارجی هستیم.

ما بر مشارکت راهبردی تمرکز کرده‌ایم در حالی که هنوز درک می‌کنیم که خودمان باید کار بیشتری انجام دهیم. و این بخشی از گفتگویی است که ما در حال انجام با ایالات متحده هستیم و به عنوان یک ملت در حال رشد، ملتی دارای اهمیت منطقه‌ای، می‌فهمیم که ما مسئول به دوش کشیدن بار خودمان هستیم و این کار را نیز انجام می‌دهیم، اما می‌خواهیم این کار با مشارکت ایالات متحده صورت پذیرد. و بنده فکر می‌کنم که این ثابت شده که روابطه ما با آمریکا برگشت پذیر است و ادامه خواهد یافت. متشکرم.

### نشست پرسش و پاسخ:

**سؤال:** شما در حال حاضر چه کمکی از ایالات متحده در یمن می‌خواهید؟

**پاسخ:** من فکر می‌کنم ما در یمن مذاکرات مهمی را با ایالات متحده آغاز کرده‌ایم و منابع اولیه‌ای که ما خواهان آن هستیم، تشریک بهتر اطلاعات است. به طور مشخص، ما خواهان تداوم تأمین تسلیحات دقیق هستیم که برای کاهش ریسک آسیب در این نزاع، بسیار حائز اهمیت هستند. و به طور خاص مشتاق هستیم پشتیبانی بیشتری را در زمینه جلوگیری از کمک تسلیحاتی ایران به حوثی‌ها شاهد باشیم. اینها سه موضوع اصلی است.

**سؤال:** ضمن سپاس بسیار از سخنرانی شما، من یک سؤال در مورد راهبرد ۲۰۳۰ دارم. آیا این راهبرد نهایتاً به ترویج یک اسلام معتدل در سرتاسر جهان می‌انجامد؟

**پاسخ:** نه در سرتاسر جهان. ۲۰۳۰ عمده‌تاً بر صحنه داخلی نظر دارد، اما دارای یک مؤلفه برای ایجاد یک خصلت ملی است و این بر تعدیل اصول اسلامی تأکید دارد که به آنها چسبیده‌ایم و اینکه اطمینان حاصل کنیم که نفوذ افراطیون به حداقل رسیده و از صحنه خارج می‌شود. لذا این برای طرف داخلی و نه بین‌المللی است.

**سؤال:** آیا شما در مورد اینکه ایالات متحده به دنبال این است که عربستان سعودی «سهم عادلانه خود را بپردازد» نظری دارید؟

**پاسخ:** شما باید این را به طور خاص از دولت ترامپ بپرسید، اما من فکر می‌کنم همانطور که شما می‌دانید، نظر ما این است که ما در حال پرداخت سهم عادلانه خود هستیم و همانطور که عرض کردم، ما در حال مذاکره دائم با این دولت هستیم، همان طور که در گذشته نیز بوده، تا اطمینان حاصل کنیم که اقدامات ضروری برای حفظ ثبات در منطقه را انجام می‌دهیم. بند معتقدم اینها منافع مشترک است؛ ایالات متحده هم همانند ما از آن نفع می‌برد. اما همان طور که مستحضرید ما در حال ایفای نقش خودمان هستیم و حاضریم نقش پررنگ‌تری را نیز ایفا کنیم.

**سؤال:** چند روز پیش ولیعهد عربستان گفتند که هیچ مذاکره‌ای با ایران ممکن نیست. مشخصاً، تنش بین ایران و عربستان سعودی یک نگرانی مهم نه تنها در منطقه بلکه اینجا در واشنگتن و در سرتاسر جهان است. آیا مذاکره نمی‌تواند ایده خوبی باشد؟ ایران یک کشور ۸۵ میلیونی است و عربستان در مقایسه با آن یک کشور کوچک است، و لذا برای تنش‌زدایی در منطقه و همزیستی با یکدیگر، آیا مذاکره نمی‌تواند یک امر ضروری باشد؟

**پاسخ:** ایران یک کشور مهم است؛ مطمئناً این کشور بزرگ است اما نظام کنونی حاکم بر آن جایی را برای مذاکره باقی نگذاشته است. عربستان سعودی و ایران یک رابطه خوب بسیار قوی قبل از ۱۹۷۹ داشتند. پس از سال ۱۹۷۹، تلاش‌های زیادی برای مذاکره بین پادشاهی عربستان و ایران صورت گرفت. برخی از آنها به طور موقت جواب داد اما در نهایت، این مذاکرات به دلیل گرایش ایران برای صدور انقلاب و تحمیل اراده خود بر منطقه، غالباً با شکست مواجه شدند. آیا چشم اندازی برای مذاکره در آینده وجود دارد، آیا ایران می‌خواهد تغییر کند، آیا آنها به دنبال تغییر قانون اساسی خود به گونه‌ای هستند که دیگر در پی صدور انقلابشان به عنوان بخشی از اصول ملی خود نباشند؟ من نمی‌دانم، آیا شما می‌دانید؟ امیدوارم که ایران تعدیل شود و یک شریک ارزشمند برای مذاکره باشد، اما در حال حاضر به نظر نمی‌آید چنین چیزی امکان‌پذیر باشد.





Report Code : 97-51

## **Saudi Arabia Transforming**

**The Arab Gulf States Institute in Washington (AGSIW)**

**Omar H. Rahman**

**Translated By  
Presidential Center for Strategic Studies  
2017**